

بررسی جامعه‌شناختی عوامل فرهنگی و اجتماعی موثر بر از خود بیگانگی اجتماعی شهرنشینان شهر گیوی*

دکتر عبدالحسین کلاتری^۱، حسین بشیری گیوی^۲، سهیلا غلامی شاهسوارلو^۳

چکیده

از خود بیگانگی از مسائل ساختاری در جامعه است. که تک تک افراد را با خود درگیر می‌سازد. افراد از خود بیگانه دچار بیماری‌های روحی و روانی هستند که یا به وسیله جامعه طرد شده‌اند یا جامعه هنجارهایش را از دست داده و انسان را به پوچ‌گرایی و انزوا نشینی سوق داده و به طور کلی انسانی منفعل به بار آورده است. در این نوشتار در پی بررسی بعد اجتماعی از خودبیگانگی و عواملی که بر آن تأثیر می‌گذارند بودیم.

روش به کار گرفته شده در این تحقیق، روش پیمایشی است که با توجه به ابزار پرسشنامه محقق ساخته، داده‌ها و اطلاعات گردآوری شده‌اند. جامعه آماری، شهرنشینان شهر گیوی و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۰۰ نفر تعیین گردید و با شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای با حجم نامتناسب، نمونه‌ها انتخاب شدند. تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات بوسیله آماره‌های پارامتریک «پیرسون و تی تست مستقل» صورت گرفته است.

یافته‌ها نشان می‌دهد بین متغیرهای محل سکونت، سن، دینداری و رسانه‌ها و از خودبیگانگی اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود ندارد. در حالی که بین خرافات اجتماعی، جنسیت و پایگاه اقتصادی-اجتماعی و از خودبیگانگی اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

کلید واژه‌ها: از خودبیگانگی اجتماعی، خرافات اجتماعی، دینداری، رسانه‌ها، شهر گیوی.

*

شهر گیوی در جنوب استان اردبیل واقع است این شهر از دو منطقه (گیوی سفلی و گیوی علیا) تشکیل شده شهروندان ترک زبان و مسلمان و شیعه هستند. جمعیت این شهر در حدود ۸ هزار نفر می‌باشد.

^۱ استادیار و مدیر گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی؛ دانشگاه تهران.

^۲ کارشناس ارشد پژوهشگری و مدرس دانشگاه پیام نور شهرستان گیوی Guvi.hb@gmail.com

^۳ دانش‌آموخته کارشناسی پژوهشگری دانشگاه پیام نور شهرستان گیوی

مقدمه و طرح مسأله

مسئله امروزی انسان دور شدن از خود حقیقی است که در جامعه شناسی با مفهوم از خود بیگانگی^۴ مطرح می شود. از خود بیگانگی نمایشی از بیگانگی انسان نسبت به خود و دور شدن از مقام و جایگاه خویش است و زمانی رخ می دهد که ساختار اجتماعی یا محیط ایجاد شده توسط انسان، خود او را در سیطره می گیرد که در نهایت انسان را مبدل به عروسک های خیمه شب بازی می کند.

از خود بیگانگی در جامعه شناسی به معنای تجربه ای است خاص که موجب می شود شخص خود را همچون بیگانه احساس کند و یا آنکه در « من » اعضا و اجزای شخصیت وی تجزیه حاصل شده و کل شخصیت از معنی بیفتد، این بیگانگی به دو صورت تجلی می شود: بیگانگی با محیط^۵ «الف» هر نهضت یا قیامی که ارزشهای مسلط محیط را نقض نمایند با آن بیگانه شده است (نظیر جوانان بیگانه شده با محیط؛ ب) هر فرد که با حرکت سریع پدیده ها سازگاری نیابد و بین او و جامعه خلاء حاصل شود (نظیر بیگانگی سال خوردگان). بیگانگی با خود^۶ «تجربه ای درونی که با گسستن فرد از خویشتن همراه است نظیر از خود بیگانگی فرد بدان جهت که بر حسب مقتضیاتی ناچار به قبول نقشی می شود و حتی بدون آنکه دقیقاً بدان اعتقاد داشته باشد» (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۲۶۳).

از خود بیگانگی دارای ابعاد مختلفی، از جمله؛ از خود بیگانگی فرهنگی، از خود بیگانگی از کار، از خود بیگانگی سیاسی و از خود بیگانگی اجتماعی است (محسنی تبریزی، ۱۳۷۳: ۱۲). در میان ابعاد مختلف از خود بیگانگی، به نظر می رسد که از خود بیگانگی اجتماعی، نمود بیشتری دارد. در از خود بیگانگی اجتماعی به رابطه دو جانبه میان فرد و جامعه توجه می شود و بریدگی از هنجارهای فرهنگی و انفصال یا جدایی از دیگر مردمان مد نظر است از خود بیگانگی اجتماعی نوعی احساس انفصال، جدایی و نداشتن پیوند ذهنی و عینی میان فرد و جامعه، (نهادهای و ساختارهای اجتماعی نظیر خانواده، مذهب و ...) است (همان: ۱۲).

از خود بیگانگی از مفاهیم کلیدی مارکس است (کوزر، ۱۳۸۹: ۸۴) که آنرا همزمان با پیدایش جامعه طبقاتی می داند و چنین تعریف می کند: « از خود بیگانگی از هم گسیختگی بستگیهای متقابل طبیعی میان مردم و نیز بین مردم و آنچه تولید می کنند است» (ریترز، ۱۳۸۶: ۳۰). مارکس معتقد است از آن زمان که تقسیم طبقاتی به وجود آمد و جامعه برده داری پدیدار گشت از خود بیگانگی نیز ریشه گرفت که در آن انسان با از دست دادن کنترلش بر تولیدات مادی و تسلیم شدن بر نظام سیاسی با فرامین مذهبی انسانیتش را از دست می دهد تا حدی که به نظام اقتصادی و سیاسی مشروعیت می بخشد و در این میان برای بدست آوردن نظارت از دست رفته اش به خرافات و دین روی می آورد (توسلی، ۱۳۸۵: ۱۱۶).

دورکیم در کتاب قواعد روش جامعه شناسی خود سه قاعده درباره مساله اجتماعی مطرح کرده است: ۱- هر واقعه اجتماعی هنگامی برای نوع اجتماعی معین در مرحله ای از رشد آن بهنجار است که میانگین این نوع اجتماعات در همان مرحله تطور به وقوع پیوندد. ۲- رسیدگی به صحت و سقم نتایج روش پیشین در صورتی ممکن است که نشان دهیم که عمومیت پدیده به اوضاع عمومی حیات جمعی در نوع اجتماعی منظور بستگی دارد. ۳- تحقیق مذکور هنگامی ضروریست که این واقعه به آن نوع اجتماعی مربوط شود که تطور کامل آن هنوز صورت نگرفته است (دورکیم،

4- Alienation

5-Alienated Youth

۱۳۷۳:۸۱). و به طور خلاصه می‌توان گفت: «اولا نظام سیاسی با آن درگیری باشد، دوما منحصر به فرد باشد، سوماً عمومیت داشته باشد (بشیری، ۱۳۸۹: ۲۳).

دورکیم نیز از دریچه دیگری به از خود بیگانگی می‌نگرد. او در قسمت پایانی کتاب تقسیم کار اجتماعی از نابسامانی در جوامع با همبستگی ارگانیکی مبتنی بر تفاوت‌ها سخن رانده است (دورکیم، ۴۱۸: ۱۳۵۹). از دید وی هرگاه شیرازه تنظیم‌های اجتماعی از هم گسیخت، نفوذ و نظارت‌کننده جامعه بر گرایش‌های فردی کارایش را از دست داد، افراد در جامعه به حال خود واگذار می‌شوند که او این حالت را نابسامانی (آنومی) می‌نامد (کوزر، ۱۹۹: ۱۳۸۹).

در جوامع شهری و صنعتی امروزی که همبستگی ارگانیک در آنها حکم فرماست تقسیم کار وسیع و با ابعاد مختلف به طور اجتناب‌ناپذیر وجود دارد. همچنین، همبستگی درونی هرروزه استحکام بیشتری پیدا می‌کند. از دیدگاه دورکیم در این نوع جوامع از خود بیگانگی (الیناسیون) ناهنجاری، انزوای اجتماعی، خشونت و ویژگی‌هایی از این قبیل در حد وسیعی به چشم می‌خورد و به عبارتی شهرنشینی مخرب جامعه سنتی و به وجودآورنده‌ی همبستگی درونی و از خود بیگانگی است (شیخی، ۱۳۸۴: ۱۲۶-۱۲۷).

جامعه ما در حال گذر از شکل سنتی به جامعه‌ی مبتنی بر تفاوت‌ها است، که این حالت باعث به وجود آمدن تضاد، تنش، بحران و نابسامانی می‌گردد. با توجه به مشارکت ضعیف افراد در اجتماعات فرهنگی، افزایش مصرف مواد مخدر، انزواگرایی برخی از گروه‌های سنی یا مذهبی، خودکشی و... که در شهر گیوی مشاهده می‌گردد، این تحقیق بر آن است تا به بررسی از خود بیگانگی و عوامل موثر اجتماعی و فرهنگی در بین شهرنشینان شهر گیوی بپردازد. بدین ترتیب مهمترین سوالات این تحقیق عبارت است از؛

- آیا دین باوری بر از خود بیگانگی اجتماعی تاثیر دارد؟
- تا چه اندازه خرافات بر از خود بیگانگی اجتماعی تاثیر می‌گذارد؟
- تا چه حد رسانه بر از خود بیگانگی اجتماعی تاثیر دارد؟
- تا چه اندازه پایگاه اجتماعی - اقتصادی بر از خود بیگانگی اجتماعی تاثیر دارد؟

چارچوب نظری

مارکس پیدایش از خود بیگانگی را همزمان با پیدایی مفهوم طبقه در جامعه‌ی برده داری و بعد از آن در جامعه زمین داری و نهایتاً امروزه در جامعه سرمایه داری و صنعتی می‌داند. او جامعه را به طبقات مختلف از جمله: برده و برده دار، رعیت و زمین دار، کارگران و صاحبان ابزار تولید، تقسیم می‌کند. و در این طبقات، طبقات دارا، برای استثمار طبقه تحت سلطه اش با ایدئولوژی خویش به آنها هویت کاذب می‌دهد تا مشروعیت کسب نماید و این آگاهی کاذب از خود بیگانگی را در انسان به وجود می‌آورد.

در ابتدا قبل از جامعه برده دار که «کمون اولیه» وجود داشت و انسان‌ها در مقابل قدرت‌های موجود هیچ گونه نظارت و کنترلی نداشتند، به مذهب و جادو روی می‌آوردند تا نظارت بیشتر در جامعه را به دست آورند و امروزه با تسلط سرمایه داری بر زندگی انسان و به بی قدرتی، پوچی و بی معنایی کشاندن او با استفاده از مذهب و خرافات و حتی رسانه (را نیز می‌توان جای داد) در تلاش بودند به این حاکمیت شان در بین مردم مشروعیتی کاذب ببخشند. وقتی در جامعه ای مشروعیت واقعی به مشروعیت کاذب و تحریف شده مبدل می‌شود، انسان ابتدا از خویشتن و سپس با جامعه اش

بیگانه می گردد و چنین جامعه ای به جای ره بردن به جامعه ای انسانی، فقط فرمانبرانی مکانیکی خواهد داشت و از درون جامعه کم فرو خواهد ریخت و به سستی و ضعف خواهد گروید.

دورکیم این مفهوم را با نظریه آنومی یا بی هنجاری مورد بررسی قرار می دهد. از دید او هر جامعه ای دارای هنجارهایی است که نظم اجتماعی را به وجود می آورد، هر گاه هنجارها مشروعیت خود را از دست بدهد و شیرازه تنظیم های اجتماعی از هم بگسلد و به عبارتی زمانی که همبستگی با جامعه را از دست می دهد، افراد در آن جامعه بدون معیار و راهنما رها می گردند و نهایتاً بی هنجاری پدید می آید. آنومی مترادف با از خودبیگانگی مورد نظر ماست.

مرتون نیز در این باره مفهوم دورکیم یعنی آنومی را به کار می برد. از نظری بی هنجاری زمانی است که افراد در یک جامعه که اهداف مثبت را تبلیغ می کند ولی وسایل مشروع را در اختیار همه ی افراد نگذاشته است. وقتی افراد نتوانند با وسایل مشروع به اهداف خود برسند از وسایل نامشروع استفاده می کنند دقیقاً زمانی که به تحصیلات، شغل، درآمد... مورد نظر خود نتوانند با ابزارهای تعریف شده دست یابند، هنجارها را می شکنند.

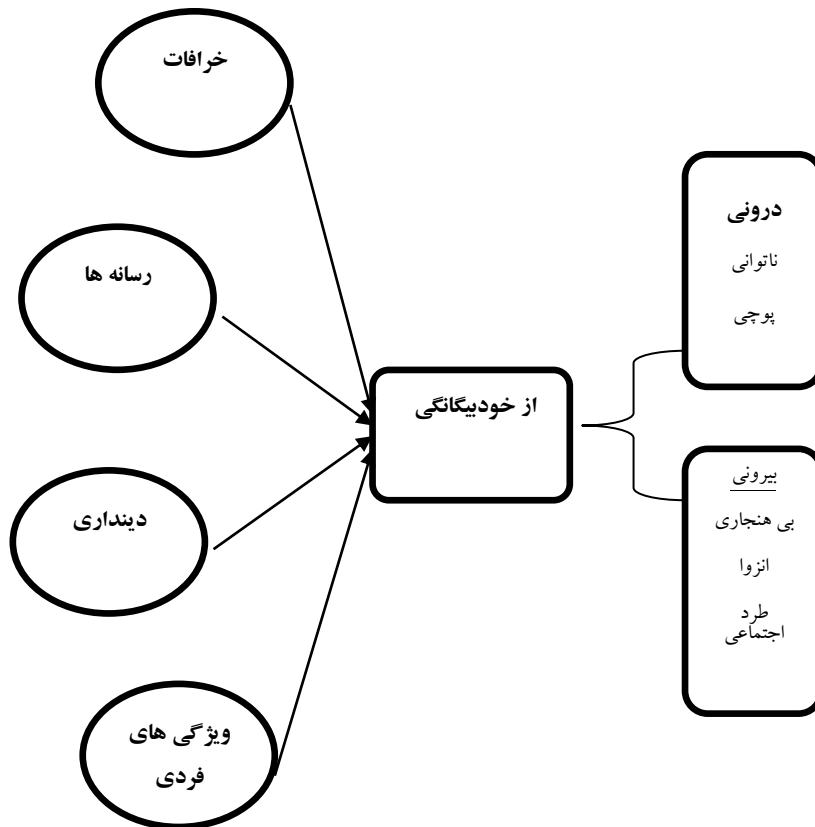
وبر بروکراسی و عقلانیت را مطرح می کند و عقلانی و هرچه بروکراتیزه شدن جامعه آینده را تبدیل به قفس آهنین می داند که قدرت و اقتدار را از انسان میگیرد.

مارکوزه منتقد شدید تکنولوژی مدرن، معتقد است که تکنولوژی امروزه نظارت و تسلط بر انسان را بر عهده دارد. انسان در ظاهر هیچ تسلطی را احساس نمی کند، ولی تکنولوژی مثل تلوزیون آزادی درونی انسان را در بند می کشد و انسانی تک بعدی را به وجود می آورد.

هابرماس به بازسازی دیدگاه های مارکس و وبر می پردازد و در مقابل تاکید مارکس بر ساختارهای تحریف شده ی کار به ساختارهای تحریف شده ی ارتباطی تاکید می کند که عامل اصلی این تحریف را ایدئولوژی و مشروع سازی می داند که امروزه توسط رسانه ها در جامعه ایجاد می گردد. گرچه ابتدا به صورت خنثی عمل می کنند ولی با افکار اثباتی به جای تفاهمی که به ذهن مردم می ریزند، آنها را به بند می کشند. او در مقابل عقلانیت ابزاری وبر هم، عقلانیت ارتباطی را مطرح می کند.

سی من با ترکیب نظریه های جامعه شناسی، شاخص هایی را برای از خود بیگانگی بیان می کند:

۱. احساس بی قدرتی: (مارکس و وبر)
۲. احساس بی هنجاری: (دورکیم و مرتون)
۳. جدایی از خود: (آگاهی کاذب). (فروم و سی رایت میلز)
۴. انزوای اجتماعی: (مرتون)
۵. احساس بی معنایی: (آدورنو و مانهایم)



فرضیه‌های تحقیق

- بین دو گروه جنسیتی (زنان و مردان) و میزان از خود بیگانگی اجتماعی آن تفاوت معنی‌داری وجود دارد.
- بین میزان از خود بیگانگی اجتماعی شهرنشینان گیوی بالا و گیوی پایین تفاوت معنی‌داری وجود دارد.
- بین میزان سن و از خود بیگانگی اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و از خود بیگانگی اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین خرافات و از خود بیگانگی اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین دین‌باوری و از خود بیگانگی اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین رسانه‌های جمعی و از خود بیگانگی اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

روش تحقیق

در این تحقیق از روش تحقیق پیمایشی با ابزار پرسشنامه‌ی محقق‌ساخته استفاده شده است. شهرنشینان شهر گیوی به عنوان جامعه آماری می‌باشد، که با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۳۰۰ نفری بدست آمد.

روش نمونه‌گیری، نمونه‌گیری طبقه‌ای با حجم نامتناسب می‌باشد. واحد تحلیل در این تحقیق شهر گیوی بوده و شیوه کدگذاری متغیرها به صورت طیف لیکرت، خیلی موافقم = ۱، موافقم = ۲، تا حدودی = ۳، مخالفم = ۴، خیلی مخالفم = ۵

روایی و پایایی تحقیق: برای پایایی از روش ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده که ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۰۷ می‌باشد که نشان از انسجام نسبتاً بالای گویه‌ها می‌باشد.

یافته های تحقیق

جدول ۱: توزیع فراوانی پاسخ گویان بر حسب منطقه شهری

منطقه شهری	فراوانی	درصد	درصد فراوانی	فراوانی تجمعی
گیوی پایین	۱۸۷	۳.۶۲	۶۲,۳	۶۲,۳
گیوی بالا	۱۱۳	۷.۳۷	۳۷,۷	۱۰۰
کل	۳۰۰	۱۰۰	۱۰۰	

این سوال در سطح اسمی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی مد: ۱ می باشد که ۱۸۷ نفر در حدود ۳,۶۲ در صد از حجم نمونه را گیوی پایین به خود اختصاص داده است و همچنین ۱۱۳ نفر در حدود ۷,۳۷ درصد از حجم نمونه به گیوی بالا اختصاص داده شده است. شهر گیوی دارای دو منطقه یعنی گیوی بالا و گیوی پایین است. توزیع جمعیتی در هر دو منطقه تقریباً یکسان است ولی شهروندان گیوی پایین از پایگاه اجتماعی بالاتری نسبت به گیوی بالا برخوردار هستند. گیوی بالا دشت مانند است و به همین جهت مهاجر پذیر از روستاهای اطراف است ولی گیوی پایین به خاطر محصور شدن در بین کوه ها زمین کمتری دارد و به همین جهت مهاجر پذیر از روستاها نمی باشد. در گیوی بالا نسبت به گیوی پایین زمین و خانه ارزانتر است.

جدول ۲: توزیع فراوانی پاسخ گویان بر حسب جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد	درصد فراوانی	فراوانی تجمعی
زن	۱۵۲	۵۱	۵۰.۸	۵۰.۸
مرد	۱۴۸	۴۹	۴۹.۴	۱۰۰
کل	۳۰۰	۱۰۰	۱۰۰	

این سوال در سطح اسمی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی مد: ۱ می باشد که ۱۵۲ نفر در حدود ۵۱ در صد از حجم نمونه زنان و همچنین ۱۴۸ نفر در حدود ۴۹ درصد از حجم نمونه به مردان اختصاص داده شده است.

جدول ۳: توزیع فراوانی پاسخ گویان بر حسب میزان سن

سن	فراوانی	درصد	درصد فراوانی	فراوانی تجمعی
۲۰ - ۳۳	۱۲۶	۴۲,۲	۴۳,۶	۴۳,۶
۳۴ - ۴۷	۹۴	۳۱,۲	۳۲,۳	۷۵,۹
۴۸ - ۶۱	۳۶	۱۲,۳	۱۲,۷	۸۸,۷
۶۲ - ۷۵	۲۲	۷,۳	۷,۶	۹۶,۲
۷۶ - ۸۹	۱۱	۳,۷	۳,۸	۱۰۰,۰
کل	۲۹۱	۹۶,۷	۱۰۰,۰	
گمشده ها	۹	۳,۳		
جمع کل	۳۰۰	۱۰۰,۰		

این سوال در سطح فاصله‌ای طرح شده است که شاخص گرایش مرکزی میانگین ۶، ۶۲،۳۹ می باشد که حداقل سن ۲۰ و حداکثر سن ۸۷ می باشد.

جدول ۴: توزیع فراوانی متغیرها بر حسب میزان بیگانگی اجتماعی، دینداری و خرافات

خرافات	دینداری	بیگانگی اجتماعی	بیگانگی، دینداری و خرافات
۴۶،۸۳	۴۴،۶	۳۰،۵	بیشترین
۳۵،۲۶	۱۹،۴۴	۴۴،۸۸	بینابین
۱۶،۵۶	۳۳،۸	۲۲،۹۳	کمترین
۱،۳۵	۲،۱۶	۱،۶۹	گمشده‌ها-جواب نداده‌ها
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	کل

طبق اطلاعات جدول شماره (۴)، متغیرهایی که بر اساس شاخص‌ها و مولف‌های آنان جمع‌بندی شده و در سطح سنجش ترتیبی (بیشترین-بینابین-کمترین) ریکدبندی شده‌اند، نتایج ذیل حاصل شده است. بیشترین میزان بیگانگی اجتماعی با ۴۴،۸۸ درصد در حالت بینابین است که نشان می‌دهد میزان و میانگین از خودبیگانگی اجتماعی حجم نمونه در حد متوسط است. برای دینداری بیشترین میزان در حدود ۴۴،۶ است که نشان می‌دهد میزان دینداری حجم نمونه بالاست. و همچنین برای خرافات با توجه به شاخص‌های آن، بیشترین میزان ۸۳/۴۶ درصد است که در کل نشان از میزان بالای خرافاتی بودن و اعتقاد به خرافات جامعه نمونه است.

آمار استنباطی

جدول ۵: خلاصه نتایج آزمون‌های آماری سنجش رابطه متغیرهای وابسته با متغیرهای مستقل پژوهش

آزمون‌های آماری			متغیر وابسته	متغیرهای مستقل	ردیف
آماره‌های پارامتریک (پیرسون) سطوح سنجش متغیرها (فاصله‌ای - فاصله‌ای)					
ضریب همبستگی	سطح معنی داری	رابطه یا عدم رابطه			
۰/۵۱	۰/۴۲۲	رابطه معنی داری وجود ندارد	از خودبیگانگی اجتماعی	سن	۱
۰/۱۵۲	۰/۰۱۹	رابطه معنی داری وجود دارد		پایگاه	۲
۰/۳۱	۰/۶۵۹	رابطه معنی داری وجود ندارد		دینداری	۳
۰/۴۳۳	۰/۰۰۰	رابطه معنی داری وجود دارد		خرافات	۴
۰/۳۸	۰/۵۷۷	رابطه معنی داری وجود ندارد		رسانه‌ها	۵
آماره‌های (تی تست مستقل) پارامتریک (اسمی - فاصله‌ای) سطوح سنجش متغیرها			متغیر وابسته	متغیر مستقل	ردیف
مقدار	سطح معنی داری	تفاوت یا عدم تفاوت معنی			

داری		تی مستقل			
تفاوت معنی داری وجود دارد	۰/۰۱۳	۱/۹۱	از خود بیگانگی اجتماعی	جنسیت	۱
تفاوت معنی داری وجود ندارد.	۰/۸۱۱	۰/۵۴		محل سکونت (گیوی بالا-گیوی پایین)	۲

مقایسه بین سن و از خود بیگانگی اجتماعی شهرنشینان شهر گیوی نشان می دهد، با توجه به اینکه متغیر وابسته (از خود بیگانگی اجتماعی) و متغیر مستقل (سن) در سطح سنجش فاصله ای-فاصله ای است، از آزمون پارامتریک پیرسون استفاده شده است. این آزمون در فاصله ی اطمینان ۹۵٪ سنجش شده است و چون سطح معنی داری آن از ۵ درصد بیشتر می باشد Sig : .۴۴۲ است. در نتیجه با توجه به اطلاعات جدول H_0 تایید و H_1 رد می شود. به عبارتی میزان سن شهرنشینان شهر گیوی بر از خود بیگانگی اجتماعی آنان تأثیر ندارد.

مقایسه بین محل سکونت و از خود بیگانگی اجتماعی شهرنشینان شهر گیوی نشان می دهد، با توجه به اینکه متغیر وابسته (از خود بیگانگی اجتماعی) و متغیر مستقل (محل سکونت) در سطح اسمی-فاصله ای است، از آزمون تی مستقل استفاده شده است. این آزمون در فاصله ی اطمینان ۹۵٪ سنجش شده است و چون سطح معنی داری آن از ۵ درصد بیشتر می باشد Sig : .۸۱۱ می است در نتیجه با توجه به اطلاعات جدول H_0 رد و H_1 تایید می شود. به عبارتی محل سکونت شهرنشینان شهر گیوی تأثیری بر از خود بیگانگی اجتماعی ندارد.

مقایسه بین جنسیت و از خود بیگانگی اجتماعی شهر گیوی نشان می دهد، با توجه به اینکه متغیر وابسته (از خود بیگانگی اجتماعی) و متغیر مستقل (جنسیت) که در سطح اسمی-فاصله ای است از آزمون تی مستقل (t) استفاده شده است. این آزمون در فاصله ی اطمینان ۹۵٪ سنجش شده است و چون سطح معنی داری آن از ۵ درصد کمتر می باشد Sig : .۰۱۳ است، در نتیجه با توجه به اطلاعات جدول H_0 رد و H_1 تایید می شود. به عبارتی جنسیت شهرنشینان شهر گیوی بر از خود بیگانگی اجتماعی تأثیر دارد، بطوریکه مردان نسبت به زنان از خود بیگانه تر می باشند.

مقایسه بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و از خود بیگانگی اجتماعی شهر گیوی نشان می دهد، با توجه به اینکه متغیر وابسته (از خود بیگانگی اجتماعی) و متغیر مستقل (پایگاه اجتماعی - اقتصادی) که در سطح فاصله ای - فاصله ای است، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. این آزمون در فاصله ی اطمینان ۹۵٪ سنجش شده است و چون سطح معنی داری آن از ۵ درصد کمتر می باشد Sig : .۰۱۹ است و ضریب همبستگی پیرسون : ۱۵۲. می باشد که نشان دهنده ی رابطه ی قوی و مستقیم بین از خود بیگانگی اجتماعی و پایگاه افراد است. در نتیجه با توجه به اطلاعات جدول H_0 رد و H_1 تایید می شود. به عبارتی پایگاه اقتصادی اجتماعی شهرنشینان شهر گیوی بر از خود بیگانگی اجتماعی آنان تأثیر دارد، بطوریکه هرچه قدر پایگاه افراد بالا می رود میزان از خود بیگانگی بیشتر می شود.

مقایسه بین دینداری و از خود بیگانگی اجتماعی شهر گیوی نشان می دهد، با توجه به اینکه متغیر وابسته (از خود بیگانگی اجتماعی) و متغیر مستقل (دینداری) هر دو فاصله ای - فاصله ای است، از آزمون پیرسون استفاده شده است. این آزمون در فاصله ی اطمینان ۹۵٪ سنجش شده است و چون سطح معنی داری آن از ۵ درصد بیشتر می

باشد Sig: .۶۵۹ است. در نتیجه با توجه به اطلاعات جدول H_0 تایید و H_1 رد می شود. به عبارتی میزان دینداری بر از خود بیگانگی تأثیری ندارد.

مقایسه بین خرافات اجتماعی و از خود بیگانگی اجتماعی شهر گیوی نشان می دهد، با توجه به اینکه متغیر وابسته (از خود بیگانگی اجتماعی) و متغیر مستقل (خرافات اجتماعی) هر دو فاصله ای - فاصله ای است، از آزمون پیرسون استفاده شده است. این آزمون در فاصله ی اطمینان ۹۵٪ سنجش شده است و چون سطح معنی داری آن از ۵ در صد کمتر می باشد Sig: .۰۰۰۰ می باشد و میزان همبستگی پیرسون برابر است با ۴۳۳. است که نشان دهنده ی شدت رابطه ی بسیار قوی و مستقیم بین از خود بیگانگی اجتماعی و خرافات اجتماعی است در نتیجه با توجه به اطلاعات جدول H_0 رد و H_1 تایید می شود. به عبارتی خرافات اجتماعی بر از خود بیگانگی اجتماعی تأثیر دارد، بطوریکه هر چه قدر میزان خرافات بالا می رود میزان از خود بیگانگی اجتماعی بیشتر می شود.

مقایسه بین رسانه و از خود بیگانگی اجتماعی شهر گیوی نشان می دهد، با توجه به اینکه متغیر وابسته (از خود بیگانگی اجتماعی) و متغیر مستقل (رسانه های جمعی) هر دو فاصله ای - فاصله ای است، از آزمون پیرسون استفاده شده است. این آزمون در فاصله ی اطمینان ۹۵٪ سنجش شده است و چون سطح معنی داری آن از ۵ در صد بیشتر است Sig: .۵۷۷ می باشد. پس با توجه به اطلاعات جدول H_0 تایید و H_1 رد می شود. به عبارتی رسانه و استفاده از آن بر از خود بیگانگی تأثیری ندارد.

نتیجه گیری و پیشنهادها

از خود بیگانگی به حالت بریدگی و انفصال از نظام اجتماعی در ابعاد مختلف است؛ این انفصال ممکن است از فرهنگ عامه و ارزش های بنیادین، هنجارهای شغلی، حاکمیت سیاسی یا عموم افراد یک جامعه باشد که به ترتیب معرف از خود بیگانگی فرهنگی، از خود بیگانگی از کار، از خود بیگانگی سیاسی و از خود بیگانگی اجتماعی است که این پژوهش به از خود بیگانگی اجتماعی پرداخته که در از خود بیگانگی اجتماعی به رابطه دو جانبه میان فرد و جامعه توجه می شود و بریدگی از هنجارهای فرهنگی و انفصال یا جدایی از دیگر مردمان مد نظر است. از خود بیگانگی اجتماعی نوعی احساس انفصال، جدایی و نداشتن پیوند ذهنی و عینی میان فرد و جامعه است. و جامعه شناسان هر کدام آن را در معنایی مورد بررسی قرار می دهند، مثلا مارکس و وبر در احساس بی قدرتی و دورکیم و مرتون با احساس بی هنجاری بررسی می کنند.

یافته های این پژوهش نمایانگر آن است که خرافات اجتماعی از عوامل اصلی موثر بر از خود بیگانگی اجتماعی شهر نشینان شهر گیوی می باشد بر طبق دیدگاه مارکس دست آورد های انسان وقتی بر او تسلط یافت او را بر از خود بیگانگی می کشاند عقاید خرافی که در فرهنگ یک جامعه از گذشتگان تا حال مانده و بر افکار انسانی تسلط پیدا کرده و او را بر از خود بیگانگی کشانده است آن هم به این دلیل که انسان با از دست دادن نظارتش بر طبیعت به عقاید خرافی روی می آورد و وبر هم آن را کنش غیر عقلانی سنتی می داند با وجود فرایند عقلانی شدن جهان همچنان در این شهر کنش های غیر عقلانی وجود دارد که در این پژوهش اثبات می شود. میزان Sig: .۰۰۰۰ و همبستگی پیرسون ۴۳۳. است که نشانگر رابطه ی معنی دار و شدت بسیار قوی و مستقیم بین خرافات اجتماعی و از خود بیگانگی اجتماعی است یعنی با افزایش خرافات اجتماعی از خود بیگانگی اجتماعی هم افزایش می یابد.

مطابق یافته های تحقیق پایگاه اجتماعی - اقتصادی رابطه ی معنی داری با از خودبیگانگی اجتماعی دارد میزان ۰/۱۹. Sig: وهمبستگی پیرسون آن برابر است با ۱۵۲/۱. که نشانگر رابطه ی معنی دار و شدت رابطه ی نسبتا متوسط و مستقیم پایگاه اجتماعی - اقتصادی و از خود بیگانگی است. یعنی هر چه پایگاه اجتماعی - اقتصادی افزایش یابد میزان از خود بیگانگی نیز افزایش می یابد.

بین جنسیت و از خود بیگانگی اجتماعی تفاوت معنی داری وجود دارد ولی بین منطقه ی سکونت و از خود بیگانگی تفاوت معنی داری دیده نشد که در واقع همیشه محیط تاثیر بسیار ضعیفی در مسایل اجتماعی داشته است. بین سن و از خودبیگانگی اجتماعی هم رابطه ی معنی داری دیده نشد و هم چنین طبق یافته های این تحقیق بین رسانه های جمعی و دینداری رابطه ی معنی داری با از خود بیگانگی اجتماعی وجود ندارد. بر مبنای یافته های این پژوهش برای کاهش از خود بیگانگی اجتماعی شهر نشینان شهر گیوی می توان پیشنهاد های زیر را ارائه داد.

- طبق یافته های تحقیق خرافات اجتماعی از عوامل اصلی موثر بر از خود بیگانگی اجتماعی شهر نشینان شهر گیوی می باشد. پس با تلاش در جهت آگاهی دهی به شهر نشینان از طریق تشویق به مطالعه و مشارکت دادن آنها در فعالیت های علمی و تحقیقاتی و همچنین بها دادن به کنش های عقلانی و حذف کنش های عاطفی و سنتی در جامعه در پی کاهش از خود بیگانگی اجتماعی بر آیم.
- تلاش در جهت ترویج روحیه خود باوری اجتماعی.
- تلاش در جهت کاهش زمینه های احساس بی قدرتی با مشارکت دادن افراد در تصمیم گیری ها و توجه به رای و نظر های آنها.
- ایجاد برنامه هایی در زمینه ی فعالیت های جمعی در جهت کاهش انزوای اجتماعی.
- اشاعه رفتارهای برابری گونه در میان اقشار مردم.

منابع

۱. آرون ریمون (۱۳۸۲)؛ **مراحل اساس اندیشه در جامعه شناسی**؛ ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲. آرام، هاشم (۱۳۸۵) بررسی الیناسیون به وسیله آرایش دانشجویان دانشگاه آزاد خلیخال، پایان نامه کارشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی خلیخال.
۳. ابوالحسن تنهایی، حسین (۱۳۷۴) در آمدی بر مکاتب و نظریه های جامعه شناسی؛ نشر مردنیز.
۴. بشیری، حسین گیوی (۱۳۸۹) بررسی جامعه شناختی عوامل فرهنگی و اجتماعی موثر بر همبستگی اجتماعی شهر نشینان شهر گیوی، **فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی خلیخال**، شماره ۲۶.
۵. بشیریه، حسین (۱۳۸۰)، **تاریخ اندیشه های سیاسی در قرن بیستم**، تهران: نشرنی.
۶. بنی فاطمه، حسین (۱۳۸۲) بررسی میزان بیگانگی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز و عوامل مرتبط با آن. www.SID.ir
۷. بیرو، آلن (۱۳۸۰) فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه: باقر ساروخانی، تهران، انتشارات کیهان.
۸. توسلی، غلامعباس (۱۳۸۸) **نظریه های جامعه شناسی**، تهران، انتشارات سمت.
۹. توسلی، غلامعباس (۱۳۸۰) **جامعه شناسی دینی**، تهران، انتشارات سخن.

۱۰. حمد اله نادری و دیگران (۱۳۸۸) الگو سازی ساختاری رابطه بین بیگانگی و بی تفاوتی اجتماعی ، **مجله علوم اجتماعی دانشگاه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد** ، سال ششم ، شماره دو .
۱۱. دیلینی، تیم (۱۳۹۰) **نظریه های کلاسیک جامعه شناسی** ، تهران ، نشر نی.
۱۲. دورکهایم، امیل (۱۳۵۹)؛ تقسیم کار اجتماعی؛ ترجمه حسن حبیبی، تهران: انتشارات قلم.
۱۳. دورکهایم، امیل (۱۳۷۳)؛ قواعد روش جامعه شناسی؛ ترجمه علی محمد کاردان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.
۱۴. ریتزر، جرج (۱۳۸۶)؛ جامعه شناسی در دوران معاصر؛ ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
۱۵. ساروخانی، باقر (۱۳۸۵)؛ دایرة المعارف علوم اجتماعی، تهران انتشارات کیهان.
۱۶. ستوده، هدایت اله (۱۳۷۸): **آسیب شناسی اجتماعی** (جامعه شناسی انحرافات)، تهران: انتشارات آوی نور.
۱۷. شریعتی، علی (۱۳۸۴) **انسان بی خود** ، تهران ، انتشارات قلم.
۱۸. شیخی، محمد تقی (۱۳۸۴) **جامعه شناسی شهری** ، تهران ، شرکت سهامی انتشار.
۱۹. صدیق سروسستانی، رحمت اله (۱۳۸۸) **آسیب شناسی اجتماعی** ، تهران ، انتشارات سمت.
۲۰. کوزر، لوئیس (۱۳۸۹)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، محسن ثلاثی، تهران، علمی،
۲۱. کرایب، یان (۱۳۸۲): نظریه اجتماعی کلاسیک: مقدمه‌ای بر اندیشه مارکس، وبر، دورکیم و زیمل، ترجمه شهناز مسمی پرست، تهران: نشر آگاه.
۲۲. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷) جامعه شناسی ، منوچهر صبوری ، نشر نی (تهران).
۲۳. عمید، حسن (۱۳۸۲) فرهنگ فارسی عمید ، تهران ، انتشارات امیر کبیر.
۲۴. محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۶)؛ بررسی موردی رابطه بیگانگی و مشارکت سیاسی در میان سرپرستان خانوارهای مناطق شهر تهران؛ مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.
۲۵. محسنی تبریزی، علیرضا ، (۱۳۷۰)؛ «بیگانگی، مفهوم سازی و گروه بندی تئوریکها در حوزه های جامعه شناسی و روان شناسی»؛ **نامه علوم اجتماعی** ، جلد ۲، شماره ۲، دانشگاه تهران.
۲۶. محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۰)؛ خودکشی در استان ایلام؛ مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.
۲۷. محسنی تبریزی (۱۳۸۰)؛ **آسیب شناسی جوانان: بررسی انزوای ارزشی و مشارکت فرهنگی در محیطهای دانشجویی کشور؛ مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی.**
۲۸. محسنی، منوچهر (۱۳۹۰) مقدمات جامعه شناسی. تهران انتشارات دوران.
۲۹. محسنی خرم، محسن (۱۳۸۱) میزان نگرش به کار و احساس بیگانگی از کار کارمندان سازمانهای دولتی شهرستان رود بار. پایان نامه کارشناسی. دانشگاه آزاد اسلامی خلخال.